

طه حسین:

نویسندehای مصری، مسلمان یا کافر؟

● سیدحسین امین



طه حسین، نویسنده، پژوهشگر و ادیب جهان عرب بین اعراب به «عمیدالادب العربی» معروف است. وی در ۱۸۸۹ میلادی کور و نابینا از مادر بزاد و در مصر علیا در خاندانی ساده پرورش یافت. پس از خاتمه‌ی تحصیلات در دانشگاه الازهر، به فرانسه رفت و در ۱۹۱۷ رساله‌ی دکترایش را در باب فلسفه‌ی اجتماعی ابن‌خلدون در دانشگاه سوربن در پاریس گذراندید. عنوان فرانسوی آن پایان‌نامه، این است:

Etdue Analytique et critique de la philosophie sociale d'Ibn khaldoun

طه حسین بر اثر این که تحت تأثیر تمدن غرب واقع شده بود به جای این که از ابن‌خلدون که بعدها به عنوان مؤسس فن فلسفه‌ی تاریخ و جامعه‌شناسی نامبردار شد^۱ تجلیل کند سخت از او انتقاد

۱. به علاوه ابن‌خلدون قرن‌ها قبل از چارلز داروین در متن مقدمه به تصریح به نظریه تکامل انواع اشاره کرده است و بطور واضح، میمون را فاصله بین حیوان و انسان دانسته است. بتگرید به آنچه من بنده نویسنده، ذیل ابن‌خلدون در کتاب احوال و

کرد.^۱ و دیگران به پیروی او ابن خلدون را خوار شمردند^۲ تا این که اهمیت ابن خلدون به عنوان یکی از بزرگترین دانشمندان جهان اسلام بعدها مشخص شد و اکنون اعراب به او همه جا مفاخره می‌کنند. باری، طه حسین علاوه بر رساله‌ی دکترایش در باب ابن خلدون که بعدها مایه‌ی بدنامی او شد، کتاب دیگری هم نوشت که مایه‌ی تکفیر او شد و علمای الازهر به سوزاندن آن کتاب فتوا دادند و آن کتاب «فی الشعر الجاهلی» است که در ۱۳۴۵ هجری قمری برابر ۱۹۲۷ میلادی در مصر چاپ شد و طی آن طه حسین اسناد و مدارکی اراقه داد که نشان می‌داد بعضی متون که اکثر مسلمین، اسلامی و متعلق به بعد از اسلام می‌دانند، جاهلی و متعلق به قبل از اسلام است علمای مصر این بی‌پروایی‌ها را با تکفیر او پاسخ فرمودند.

طه حسین تألیفات مهم دیگری دارد مثل **علی و فرزندان**ش چاپ ۱۹۴۵ که آن را محمدعلی خلیلی ادیب و روزنامه‌نگار معروف به فارسی ترجمه کرده است و این کتاب خود بخشی از اثر مهم طه حسین به نام **فاطمه کبری** است؛ که بخشی دیگر از آن به نام **عثمان** هم جداگانه به عربی چاپ شده است. از آثار دیگر طه حسین، **الایام** است چاپ ۱۹۳۹ میلادی و **حدیث الاربعه** در سه جلد چاپ سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۵ و دیگر آثار او عبارتند از: **باغ وحش (جنات الحیوان)**، **لحظات**، سه کتاب مختلف در باب **ابوالعلاء معری**^۳، **متنبی**، **المعذیون فی الارض**، **آینده‌ی فرهنگ در مصر**، **رحله‌الربیع**، **صدای پاریس و وعده‌ی راستین (الوعد الحق)**.

طه حسین خیلی تحت تاثیر فرهنگ اروپایی واقع شده بود و علت آن این بود که پس از گذراندن دوره‌ی لیسانس ادبیات در دانشگاه الازهر در دولت مصر بورس گرفت و برای اخذ درجه‌ی دکترای فرانسه اعزام شد و در آن‌جا همسر فرانسوی گرفت و به قول جلال آل‌احمد، غرب‌زده شد و خیلی شدید هم. اگر متجددان ایرانی امثال سیدحسن تقی‌زاده، گفته‌اند که ما ایرانیان باید از سر تا پا فرنگی شویم، طه حسین، مکرر گفته و نوشته است که مصری‌ها اصلاً شرقی نیستند، بلکه همیشه اروپایی بوده‌اند و اروپایی هستند! و این عقیده از آن‌جا ناشی می‌شود که طه حسین همچون اکثریت متجددمآبان بر این باورند که اروپایی بودن مساوی و معادل است با قدرت، سیادت، تمدن، فضیلت، صنعت و رفاه.

بعد از این که مصر با بریتانیا قرارداد دوستی بست، طه حسین در کتاب **آینده فرهنگ در مصر (مستقبل الثقافة فی مصر)** نوشت که مصریان هیچ‌گاه شرقی نبوده‌اند. وجه تشابهی با چینی‌ها و هندیان ندارند بلکه به مراتب با فرانسوی‌ها بیشتر تشابه دارند تا با شرقی‌ها. اگر لازم شود که مصری‌ها را طبقه‌بندی کنند باید آن‌ها را از مردم سواحل دریای مدیترانه دانست، نه شرقی. فرهنگ مصری با فرهنگ شرقی ارتباطی ندارد بلکه مثل فرهنگ اروپایی از تمدن یونان (از جهت ادبی و فلسفی و هنری) و تمدن رومی (از جهت نظام حقوقی و سیاسی متأثر است و این که اروپا مسیحی است و مصر مسلمان است اهمیت‌ی چندان ندارد چون بین این دو مذهب خاور نزدیک پیوندی نزدیک است. این قول طه حسین البته بی‌دلیل است. چه اسلام نظام حقوقی و سیاسی مستقل خود را دارد و همین که طه حسین قبول کرد که مردم مصر از لحاظ مذهبی مسلمان‌اند^۴، نمی‌تواند نظام حقوقی و

افکار ملاحدای سبزواری (چاپ لندن) نوشته ام.

۱. متن فرانسه‌ی رساله‌ی دکترای طه حسین در ۱۹۱۷ در پاریس چاپ شد.

۲. از جمله وزیر فرهنگ عراق که حتی تحریک کرد جنازه و قبر ابن خلدون را باید سوزاند!

۳. یکی مع ابی‌العلاء فی سجنه و دیگری صوت ابی‌العلاء و دیگری به یاد ابی‌العلاء (نجدب ذکر ابی‌العلاء).

۴. شنیدم مرحوم حاج شیخ هادی نجم‌آبادی وقتی با کشیشی در باب مسائل دینی به صحبت نشست بود، حاج شیخ هادی

سیاسی و اداری در مصر را رومی بخواند، نه اسلامی.

طه حسین برای اثبات اروپایی بودن مصری‌ها، از تاثیر فوق‌العاده‌ی اسلام در تمام شؤون حیاتی مردم کشورش غفلت می‌کند و منحصرأ بر تاثیر فلسفه‌ی یونانی در اسکندریه خصوصاً و در معارف اسلامی عموماً تاکید می‌کند. چون به دوره‌ی معاصر می‌رسد طه حسین اظهار می‌دارد که تفاوت بین مصر و اروپا تفاوت جوهری و اختلاف جنسیت فرهنگی نیست بلکه صرفاً اختلاف در سطح پیشرفت و درجه‌ی توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. بعد مثال می‌آورد که خدیو مصر لویی چهارم را برای خودش الگو و مدل قرار می‌دهد نه سلطان عبدالحمید عثمانی را، همچنان که دانشگاه الازهر مشابه مدارس کلیسایی قرون وسطی در اروپا است.^۱

این نمونه‌ها و تاریخچه‌هایی که طه حسین برای اثبات عقیده‌ی «غرب‌گرایانه» اش می‌آورد، نزد هر صاحب‌نظر بی‌طرفی مردود است. حب‌الشیبی یعمی و یصم.

طه حسین نسبت به اسلام بی‌اعتنا بود و بی‌پروایی‌هایش در کتاب فنی شعرالجاهلی باعث تکفیرش شد. در آن کتاب، طه حسین، ادعا کرد که بعضی متون اسلامی، متعلق به عصر جاهلی است. اگر این تحقیق به همین جا خاتمه یافته بود، هر که انکار مدرک و مستند محکمه‌پسند کند، در منطق عقل و محکمه‌ی وجدان شایسته‌ی حکم و فتوا نیست. اما طه حسین به ارائه‌ی سند و تتبع علمی محض اکتفا نکرد. نام پیامبر اسلام (ص) را بی آن که درود و صلواتی بر او بفرستد به رسم اروپاییان بر صفحه کاغذ آورد.

باری علمای الازهر، در برابر این اقوال (که از دیدگاه طه حسین شجاعت ادبی بود) آرام ننشستند و او را تکفیر کردند و به دادسرای قاهره‌اش فراخواندند و متهم به زندق و بی‌دینی کردند. طه حسین از آن پس در نوشته‌هایش رعایت دیانت مقدسه اسلامی را کرد.

در نهمین مجلد از دوازده جلد یادداشت‌های دکتر قاسم غنی (چاپ لندن) دو نامه از طه حسین به دکتر غنی چاپ شده است که مفصل‌تر آن در باب مرحوم علامه محمد قزوینی به مناسبت فوت اوست و نشان می‌دهد که طه حسین با تحقیقات علامه قزوینی آشنا بوده است. متن عربی نامه‌های طه حسین به دکتر غنی را سیروس غنی به من داد تا آن‌ها را از متن دست‌نوشته‌ی طه حسین به دست‌نویس فارسی تبدیل کنم تا خانم شادلو بتوانند به وسیله‌ی ماشین تحریر فارسی تایپ کنند. اما در ترجمه‌ی فارسی آن، بنده و هیچ کس دیگر (جز مرحوم دکتر محمدجعفر محجوب که عهده‌دار انتخاب مطالب و مضامین آن مجلد نهمین از یادداشت‌ها بودند) دخالت نداشتیم و آن ترجمه‌ی فارسی یکی دو عیب عمده دارد از جمله این که عبارت اول نام چنین باید ترجمه شود:

آقای من برادر بزرگوار

بعد از این تو را به هیچ لقب و عنوان دیگر جز این (عنوان برادر) نخواهم خواند که دوست داشتم تو را چنین خطاب کنم اما حشمت و جلال حضرتت مرا از این باز می‌داشت تا این که ملاقات دیروز و نامه‌ی امروز، همه‌ی تکلفات و رسوم و رودربایستی‌ها را از میان برداشت. الی آخر.

عیب بزرگ دیگر در نامه‌ی مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۴۹ در باب علامه قزوینی و فاجعه‌ی وفات اوست. دکتر محجوب متن عربی «عزا» را که در متن عربی مخلص صحیحاً عزا آمده است، فرا خوانده و آن را گورخر معنی کرده است حال این که معنی عزا در این عبارت جبران‌ناپذیری است. مرحوم محجوب نوشته است = سپاس خدای را که در ایران دانشمندان... وجود دارند و ممکن است که دانش و ادب در وجود آنان گورخری بیابد اما نمی‌توان به دست آوردن هر گورخری را آرزو کرد.^۲

به کشیش فرموده بود: به خدا یاور دارید یا نه؟ کشیش گفته بود این چه سؤال احمقانه‌ی است. شیخ گفته بود پرسیدم که هر چه زور داری و حرف حساب داری همینجا بزی.

۱. طه حسین، مستقبل الثقافة فی مصر، قاهره، ص ۵۷-۵۶

۲. غنی، قاسم، یادداشت‌ها، چاپ لندن، ج ۹، ص ۵۵۷

ترجمه باید چنین باشد:

«در ایران دانشمندان... وجود دارند و ممکن است ادب و دانش به وجود ایشان اندک جبران شود اما نمی‌توان جبران کامل این خسارت را آرزو کرد و طمع در آن، بست.»
از اغلاط دیگر آن ترجمه این است که خنساء شاعر دی عرب را خنساء نوشته‌اند که ممکن است اشتباه چاپی باشد و ما فقط برای تصحیح یادآور می‌شویم که در کارهای فرهنگی، بنای اهل علم همیشه بر حسن‌نیت است.

قابل توجه علاقه‌مندان شعر و دانشجویان رشته زبان‌های خارجی

به زودی منتشر می‌شود

هشتمین کتاب کسرا عنقایی:

سرود پایان قرن

(مجموعه شعر)

به پنج زبان: فارسی، انگلیسی، عربی، آلمانی و فرانسوی

کسرا عنقایی در این کتاب با نگاهی به حوادث تلخ و شیرین صد سال اخیر، به مفاهیمی عمیقاً انسان‌دوستانه می‌رسد اما در عین حال از توجه به نکات شاعرانه نیز غافل نمی‌شود.
وی در قسمتی از مقدمه این کتاب نوشته است: هنگام سرودن هر شعر این کتاب احساس می‌کردم تنها نیستم و حضور تمام خواهران و برادران شاعرم را در سراسر این سیاره کنار خود حس می‌کردم. یقین دارم هر کلمه این کتاب را ماهمه با هم نوشته‌ایم؛ چرا که شاعران در میان هر ملتی، نگاهبانان انسانیت، محبت و خرد هستند.

